

لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی

ماده واحد

موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی مشتمل بر یک مقدمه و سی و یک ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

تبصره 1 - سود و کار مزد موضوع ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز دریافت یا پرداخت غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی شود.

تبصره 2 - در اجرای این موافقتنامه و اصلاحات بعدی آن رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷)، یکصد و بیست و پنجم (125) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

متن موافقتنامه

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش، که از این پس «دولتهای متعاقد» نامیده می شوند؛

با تمایل به توسعه بیشتر روابط اقتصادی و ارتقای همکاری خود در مورد موضوعات مالیاتی؛

با هدف انعقاد موافقتنامه ای برای حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد بدون ایجاد فرصتهایی برای عدم پرداخت مالیات یا پرداخت مالیات کمتر از طریق اجتناب یا فرار مالیاتی (از جمله از طریق ترتیبات قراردادی با هدف برخورداری از ارفاق های پیش بینی شده در این موافقتنامه برای بهره مندی غیر مستقیم مقیمان دولت های ثالث)،

به شرح زیر توافق نمودند:

ماده 1

اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی خواهد بود که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دوی آنها باشند.

مالیات‌های مشمول موافقتنامه

1- این موافقتنامه در مورد مالیات‌های بر درآمدی اعمال می‌شود که صرف‌نظر از نحوه مطالبه آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا مراجع محلی آن وضع می‌گردد.

2- مالیات‌های بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات‌های وضع‌شده بر کل درآمد یا اجزای درآمد، از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات.

3- مالیات‌های موجود مشمول این موافقتنامه به‌ویژه عبارتند از:

(الف) در مورد جمهوری اسلامی ایران:

مالیات بر درآمد به‌موجب مفاد قوانین داخلی آن.

(ب) در مورد جمهوری مردمی بنگلادش:

مالیات بر درآمد به‌موجب مفاد قوانین داخلی آن.

4- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های بر درآمد موجود بوده و به‌موجب قوانین یک دولت متعاقد پس از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شوند، نیز خواهد بود. مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعاقد یکدیگر را، تا حدودی که برای اجرای این موافقتنامه ضروری است، از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط خود حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

تعاریف کلی

1- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

(الف) اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به قلمروی تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران از جمله مناطق خشکی و دریایی سرزمینی آن، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و فضایی فوقانی آن اطلاق می‌شود؛

(ب) اصطلاح «جمهوری مردمی بنگلادش» به کل قلمروی جمهوری مردمی بنگلادش اطلاق می‌شود و شامل دریایی سرزمینی و فضایی فوقانی آن، همچنین سایر مناطق دریایی است که در آن جمهوری مردمی بنگلادش حقوق حاکمیتی، سایر حقوق و صلاحیت خود را به‌موجب قوانین

بنگلادش و مطابق با حقوق بین‌الملل، از جمله معاهده (کنوانسیون) سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها مورخ 1361 (1982)، اعمال می‌نماید؛

(ب) اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت و هر مجموعه دیگری از اشخاص می‌شود؛

(ت) اصطلاح «شرکت» به هر شخص حقوقی یا هر نهادی اطلاق می‌شود که از لحاظ مالیاتی، شخص حقوقی محسوب گردد؛

(ث) اصطلاحات «دولت متعهد» و «دولت متعهد دیگر»، بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری مردمی بنگلادش اطلاق می‌شود؛

(ج) اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعهد» و «مؤسسه دولت متعهد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعهد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعهد دیگر اداره می‌گردد، اطلاق می‌شود؛

(چ) اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی یا وسیله نقلیه هوایی اطلاق می‌گردد که توسط مؤسسه یک دولت متعهد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی یا وسیله نقلیه هوایی صرفاً بین نقاط واقع در دولت متعهد دیگر فعال باشد؛

(ح) اصطلاح «مقام صلاحیت‌دار»:

(1) در مورد جمهوری اسلامی ایران، به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز وی اطلاق می‌شود؛ و

(2) در مورد جمهوری مردمی بنگلادش، به هیئت ملی درآمدهای مالیاتی یا نماینده مجاز آن اطلاق می‌شود.

(خ) اصطلاح «تبعه» در ارتباط با یک دولت متعهد اطلاق می‌شود به:

(1) هر شخص حقیقی که دارای تابعیت آن دولت متعهد باشد؛ و

(2) هر شخص حقوقی، شرکت، انجمن یا سایر نهادهایی که وضعیت خود را از قوانین جاری در آن دولت متعهد کسب نماید.

2- در خصوص اعمال این موافقتنامه در هر زمانی توسط یک دولت متعهد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت راجع به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه در آن زمان است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به‌گونه‌ای دیگر باشد. معانی به کار رفته در قوانین مالیاتی قابل اعمال آن دولت بر معانی همان اصطلاح در سایر قوانین آن دولت ارجحیت خواهد داشت.

1- از لحاظ این موافقتنامه، اصطلاح «مقیم یک دولت متعاهد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث محل سکونت، اقامتگاه، محل تشکیل یا ثبت، محل مدیریت یا هرگونه معیار دیگری با ماهیت مشابه، مشمول مالیات آن دولت باشد؛ این اصطلاح همچنین آن دولت یا هر مرجع محلی آن را شامل می‌شود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت، مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

2- چنانچه حسب مقررات بند (1)، شخصی حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

(الف) وی صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد؛ اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن روابط شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی)؛

(ب) چنانچه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بهسر می‌برد؛

(پ) چنانچه وی معمولاً در هر دو دولت بهسر برد یا در هیچیک بهسر نبرد، فقط مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آن را دارد؛

(ت) چنانچه مطابق قوانین داخلی، وی تابعیت هر دو دولت را داشته یا تابعیت هیچیک از آنها را نداشته باشد یا در صورتی که نتوان، بر اساس بندهای فوق، او را مقیم یکی از دولت‌های متعاهد تلقی کرد، در آن صورت موضوع با توافق متقابل مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعاهد حل و فصل خواهد شد.

3- چنانچه به موجب مفاد بند (1)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعاهد تلاش خواهند نمود تا از طریق توافق متقابل، با توجه به محل مدیریت مؤثر آن شخص، محلی که در آن تشکیل یا به‌گونه دیگری تأسیس شده و هرگونه عوامل مرتبط دیگر، دولت متعاهدی را که شخص مذکور به لحاظ این موافقتنامه مقیم آن تلقی می‌شود، تعیین نمایند. در نبود چنین توافقی، شخص مزبور از هیچ یک از ارفاق‌ها یا معافیت‌های مالیاتی مقرر در این موافقتنامه بهره‌مند نخواهد شد مگر به میزان و به گونه‌ای که مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعاهد بر آن توافق کنند.

1- از لحاظ این موافقتنامه، اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می‌شود که از طریق آن، کسب و کار یک مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می‌شود.

2- اصطلاح «مقر دائم» به‌ویژه شامل موارد زیر است:

(الف) محل مدیریت؛

(ب) شعبه؛

(پ) دفتر؛

(ت) کارخانه؛

(ث) کارگاه؛

(ج) معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره‌برداری از منابع طبیعی؛

(ح) محل خرده‌فروشی و

(خ) مزرعه، کشتزار یا محل دیگری که کشاورزی، جنگل‌داری، کاشت یا فعالیت‌های مرتبط در آن انجام می‌گیرد.

3- اصطلاح «مقر دائم» همچنین شامل موارد زیر می‌گردد:

(الف) کارگاه ساختمانی، طرح (پروژه) ساخت، سوار کردن یا نصب یا فعالیت‌های سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، ولی فقط چنانچه این کارگاه، طرح (پروژه) آن یا فعالیت‌ها بیش از 270 (دویست و هفتاد) روز به‌طول انجامد یا ادامه داشته باشد؛

(ب) ارائه خدمات، از جمله خدمات مشاوره‌ای توسط مؤسسه از طریق کارمندان یا سایر کارکنانی که مؤسسه برای چنین منظوری به کار گرفته است، اما فقط چنانچه فعالیت‌های دارای این ماهیت (برای همان طرح (پروژه) یا طرح‌های (پروژه‌های) مرتبط) در یک دولت متعاهد برای یک دوره یا دوره‌هایی ادامه یابد که مجموع آنها بیش از 183 (یکصد و هشتاد و سه) روز در هر دوره 12 (دوازده) ماهه باشد.

4- سازه یا دکل حفاری یا کشتی مورد استفاده برای اکتشاف منابع طبیعی به منزله ایجاد مقر دائم تلقی خواهد شد، اما صرفاً در صورتی که این فعالیت‌ها بیش از 6 (شش) ماه ادامه یابد. فعالیت‌های انجام‌شده توسط مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با مؤسسه دیگر، فعالیت‌های انجام‌شده توسط مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با آن تلقی خواهد شد، مشروط بر این که فعالیت‌های مورد بحث:

(الف) اساساً نظیر فعالیت‌هایی باشد که توسط مؤسسه اخیر الذکر انجام شده است، و

(ب) با همان طرح (پروژه) یا عملیات مرتبط باشد،

مگر تا حدودی که فعالیت‌های مذکور به صورت همزمان انجام شده باشد.

5- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقر دائم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد:

(الف) استفاده از تسهیلات صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به

مؤسسه؛

(ب) نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش؛

(پ) نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه

دیگر؛

(ت) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا گردآوری اطلاعات

برای آن مؤسسه؛

(ث) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه

دارای جنبه آماده‌سازی یا کمکی باشد؛

(ج) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزء‌های

(الف) تا (ث)، به شرط آنکه چنین فعالیتی یا، در مورد جزء (ج)، کل فعالیت محل ثابت کسب و کار

دارای جنبه آماده‌سازی یا کمکی باشد.

6- مقررات بند (5) در مورد محل ثابت کسب و کار مورد استفاده یا نگهداری شده توسط یک

مؤسسه اعمال نخواهد شد، مشروط به اینکه همان مؤسسه یا مؤسسه‌ای دارای ارتباط نزدیک با آن

فعالیت‌های کسب و کار را در همان محل یا محلی دیگر در همان دولت متعاهد انجام دهد و

(الف) آن محل یا محل دیگر برای آن مؤسسه یا مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با آن، به موجب

مقررات این ماده، تشکیل مقر دائم دهد، یا

(ب) کل فعالیت حاصل از ترکیب فعالیت‌های انجام‌شده توسط دو مؤسسه در همان محل یا توسط

همان مؤسسه یا مؤسسات دارای ارتباط نزدیک با آن در دو محل جنبه آماده‌سازی یا کمکی نداشته نباشد،

مشروط بر آنکه فعالیت‌های کسب و کار انجام‌شده توسط دو مؤسسه در همان محل یا توسط همان

مؤسسه یا مؤسسات دارای ارتباط نزدیک با آن در دو محل نقش تکمیلی داشته و بخشی از عملیات

یکپارچه کسب و کار باشند.

7- صرف نظر از مفاد بندهای (1) و (2) اما با رعایت مفاد بند (8)، چنانچه شخصی در یک

دولت متعاهد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت نماید و در انجام آن فعالیت، به‌طور معمول قراردادهایی منعقد

نماید یا به‌طور معمول نقش اصلی پیشبرد انعقاد قراردادهایی را ایفا نماید که معمولاً بدون جرح و تعدیل اساسی از سوی مؤسسه منعقد می‌شوند، و قراردادهای مذکور به‌شرح زیر باشد:

(الف) به‌نام مؤسسه؛ یا

(ب) به‌منظور انتقال مالکیت یا برای اعطای حق استفاده از دارایی تحت تملک آن مؤسسه یا دارایی‌ای که مؤسسه حق استفاده از آن را دارد؛ یا

(پ) به‌منظور ارائه خدمات توسط آن مؤسسه،

آن مؤسسه در مورد هرگونه فعالیت‌هایی که شخص مزبور برای مؤسسه انجام می‌دهد، در آن دولت متعاهد دارای مقرر دائم تلقی خواهد شد، مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (5) باشد که در این صورت، چنانچه آن فعالیت‌ها از طریق محل ثابت کسب و کار انجام شوند، به‌موجب مقررات بند مذکور، محل ثابت کسب و کار یادشده را به مقرر دائم تبدیل نخواهد کرد.

با این وجود، چنانچه شخصی در یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه‌ای قراردادی منعقد ننماید بلکه به‌طور معمول در دولت نخست کالا یا اجناسی نگهداری نماید که از آن محل به‌طور منظم، موجودی کالا یا اجناس را از طرف آن مؤسسه تحویل دهد، آن مؤسسه دارای مقرر دائم در آن دولت تلقی خواهد شد.

8- هرگاه شخصی در یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه دولت متعاهد دیگر به‌عنوان عامل مستقل کسب و کاری را در دولت نخست انجام دهد و در جریان عادی کسب و کار مؤسسه برای آن مؤسسه فعالیت نماید، مقررات بند (7) اعمال نخواهد شد. با این وجود، چنانچه شخصی به‌طور انحصاری یا تقریباً انحصاری از طرف یک یا چند مؤسسه که با آنها دارای ارتباط نزدیک می‌باشند فعالیت نماید، به‌موجب مفاد این بند، آن شخص در خصوص چنین مؤسسه‌ای، عامل مستقل قلمداد نخواهد شد.

9- صرف‌نظر از مقررات قبلی این ماده، چنانچه مؤسسه بیمه یک دولت متعاهد، از طریق شخصی غیر از عامل دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (8) است، در قلمرو دولت دیگر حق بیمه وصول کند یا خطرهای (ریسک‌های) واقع در آن دولت دیگر را بیمه کند، آن مؤسسه در آن دولت متعاهد دیگر دارای مقرر دائم تلقی خواهد شد.

10- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر را واپایش (کنترل) می‌کند یا تحت واپایش (کنترل) آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر (خواه از طریق مقرر دائم و خواه به‌گونه دیگر) کسب و کاری انجام می‌دهد به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقرر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

11- از لحاظ این ماده، شخص یا مؤسسه در صورتی دارای ارتباط نزدیک با مؤسسه دیگر می‌باشد که بر اساس تمامی حقایق و شرایط مرتبط، یکی از آنها دیگری را واپایش (کنترل) نماید یا هر دو تحت واپایش (کنترل) اشخاص یا مؤسسات واحد باشند. به هر حال، در صورتی شخص یا مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با مؤسسه دیگر محسوب می‌شود که یکی از آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بیش از 50% (پنجاه درصد) سود منافع را در دیگری [یا، در مورد شرکت، بیش از 50% (پنجاه درصد) از کل آراء یا ارزش سهام شرکت یا ارزش سود منافع سهام را در آن شرکت] در مالکیت خود داشته باشد یا

چنانچه شخص یا مؤسسه دیگری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بیش از 50% (پنجاه درصد) از سود منافع [یا، در مورد شرکت، بیش از 50% (پنجاه درصد) کل آراء و ارزش سهام شرکت یا ارزش سود منافع سهام در شرکت] را در آن شخص و آن مؤسسه یا در آن دو مؤسسه در مالکیت خود داشته باشد.

ماده 6

درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

1- درآمد حاصل مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیرمنقول (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) واقع در دولت متعاهد دیگر می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهد محل وقوع اموال مزبور آمده است. این اصطلاح در هر صورت شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی یا جنگلداری، حقوقی که مفاد قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به اکتشاف یا بهره‌برداری از منابع طبیعی یا درختان الواری و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در عوض کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، معادن سنگ، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت و گاز خواهد بود؛ کشتی‌ها، قایق‌ها و وسایل نقلیه هوایی اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

3- مقررات بند (1) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

4- مقررات بندهای (1) و (3) در مورد درآمد حاصل از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد حاصل از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده 7

درآمدهای کسب و کار

1- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد صرفاً در همان دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر اینکه آن مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور کسب و کار خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد، طبق مقررات بند (2)، درآمدهای آن مؤسسه که قابل‌انتساب به مقر دائم باشد می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- از لحاظ این ماده و ماده (23)، درآمدهای قابل انتساب در هر دولت متعاهد به مقر دائم مذکور در بند (1)، به‌ویژه در معاملات خود با سایر بخش‌های مؤسسه، درآمدهایی است که چنانچه مقر دائم مؤسسه‌ای مجزا و مستقل می‌بود و به همان فعالیت‌ها یا مشابه آنها اشتغال می‌داشت، در همان شرایط یا شرایط مشابه، با احتساب فعالیت‌های صورت گرفته، دارایی‌های مورد استفاده و خطرهای (ریسک‌های) پذیرفته شده توسط مؤسسه از طریق مقر دائم و از طریق سایر بخش‌های مؤسسه می‌توانست تحصیل کند.

3- برای تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول به‌موجب مفاد قانون داخلی که برای کسب و کار آن مقر دائم ایجاد شده باشند، از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های اداری عمومی، قابل کسر خواهد بود، اعم از آنکه در دولت محل وقوع مقر دائم یا در جای دیگر انجام پذیرد. مع‌ذک، چنانچه مبالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقر دائم به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن در قالب حق الامتیاز، حق الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق اختراع، دانش فنی، یا سایر حقوق، یا به‌عنوان حق‌العمل یا سایر هزینه‌ها در ازای خدمات خاص ارائه شده یا در ازای مدیریت، یا به‌استثنای موارد مربوط به مؤسسات بانکی، به‌عنوان سود و کارمزد وام اعطاشده به مقر دائم پرداخت شده باشد هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. همچنین، در تعیین درآمدهای مقر دائم، مبالغ منظور شده (غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقر دائم به حساب دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن، در قالب حق‌الامتیاز، حق الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق اختراع یا سایر حقوق یا در قالب حق‌العمل در ازای خدمات خاص ارائه شده یا در ازای مدیریت، یا به‌استثنای مؤسسات بانکی در قالب سود و کارمزد وام اعطاشده به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن محاسبه نخواهد شد.

4- صرف آن که مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب انتساب درآمد به آن مقر دائم نخواهد شد.

5- از لحاظ بندهای قبلی، درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسانی تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

6- یک دولت متعاهد، پس از 6 (شش) سال از پایان سال مالیاتی که در آن، درآمد به مقر دائم قابل انتساب باشد، تعدیلی در درآمدهای قابل انتساب به مقر دائم مؤسسه یکی از دولت‌های متعاهد به عمل نخواهد آورد. مفاد این بند در مورد تقلب، تقصیر سنگین یا قصور عمدی در تکالیف تمکین مالیاتی مجری نخواهد بود.

7- در صورتی که درآمدها شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، در این صورت مفاد این ماده خدشه‌ای به مفاد آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده 8

حمل و نقل دریایی و هوایی بین‌المللی

1- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از وسایل نقلیه هوایی یا کشتی‌ها در حمل و نقل بین‌المللی مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

2- درآمدهای مؤسسه یک دولت متعهد حاصل در دولت متعهد دیگر بابت استفاده از کشتی‌ها در حمل و نقل بین‌المللی می‌تواند در دولت متعهد دیگر نیز مشمول مالیات شود. با این حال، مالیات متعلقه در آن دولت متعهد دیگر بر درآمد مزبور به نرخ ثابت 4% (چهار درصد) خواهد بود، مشروط بر اینکه در صورت هرگونه تغییر در قانون مالیاتی داخلی آن دولت که منتج به نرخ مالیاتی پایین‌تری بر فعالیت حمل و نقل دریایی شود یا چنانچه نرخ پایین‌تری در این حوزه با هر دولت دیگری توافق گردد، آنگاه، این درآمدها با آن نرخ پایین‌تر مشمول مالیات خواهد بود.

3- مفاد بندهای (1) و (2) حسب مورد در مورد درآمدهای حاصل از مشارکت در اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، اما صرفاً در مورد بخشی از درآمدهای حاصل شده که قابل انتساب به مشارکت‌کننده به نسبت قدرالسهم آن در فعالیت مشترک باشد.

ماده 9

مؤسسات وابسته

1- در صورتی که:

(الف) مؤسسه یک دولت متعهد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، واپایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه دولت متعهد دیگر مشارکت داشته باشد؛ یا

(ب) اشخاصی واحد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، واپایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعهد و مؤسسه دولت متعهد دیگر مشارکت داشته باشند،

و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع‌شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه متفاوت از شرایط بین مؤسسات مستقل باشد، در آن صورت هرگونه درآمدهای که در نبود آن شرایط می‌بایست عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

2- در صورتی که یک دولت متعهد درآمدهایی را که در دولت متعهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعهد دیگر مالیات اخذ شده جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدهای باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم می‌بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی، سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و به همین منظور، مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعهد، در صورت لزوم، با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

3- یک دولت متعهد نمی‌تواند درآمدهایی را که می‌بایست عاید مؤسسه‌ای می‌شد اما به دلیل شرایط مندرج در بند (1) عاید آن نشده است، پس از 6 (شش) سال از پایان سال مالیاتی که در آن، درآمدهای

مزبور بایستی عاید آن مؤسسه می‌شد، جزء درآمدهای آن مؤسسه لحاظ و متناسب با آن مشمول مالیات کند. مفاد این بند در مورد تقلب، تقصیر سنگین یا قصور عمدی مجری نخواهد بود.

4- چنانچه دادرسی‌های قضایی، اداری یا سایر دادرسی‌های حقوقی منتج به صدور رأی قطعی شود مبنی بر این که با اقدامات منجر به تعدیل درآمد به موجب بند 1، یکی از مؤسسات مربوط بابت تقلب، تقصیر سنگین یا قصور عمدی مشمول جریمه می‌شود، مقررات بند (2) اعمال نخواهد شد.

ماده 10

سود سهام

1- سود سهام پرداختی شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این وجود، سود سهام مزبور ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد:

(الف) 10% (ده درصد) مبلغ ناخالص سود سهام، چنانچه مالک منافع شرکتی باشد که به‌طور مستقیم حداقل 10% (ده درصد) از سرمایه شرکت پرداخت‌کننده سود سهام را طی یک دوره 365 (سیصد و شصت و پنج) روزه شامل روز پرداخت سود سهام در اختیار داشته باشد (به‌منظور محاسبه دوره مذکور، تغییرات مالکیت شرکت دارنده سهام یا پرداخت‌کننده سود سهام که مستقیماً ناشی از تجدید ساختار شرکت، از قبیل تجدید ساختار تلفیقی یا تفصیلی باشد، لحاظ نخواهد شد)؛

(ب) 15% (پانزده درصد) مبلغ ناخالص سود سهام در تمامی موارد دیگر.

مقررات این بند بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن، سود سهام مزبور پرداخت می‌شود، تأثیر نخواهد داشت.

3- اصطلاح «سود سهام» به‌گونه به کار رفته در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معادن، سهام مؤسسين یا سایر حقوق، به‌استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم‌کننده درآمد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

4- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن دولت متعاهد دیگر، به کسب‌وکار بپردازد یا در آن دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر با این مقر دائم یا پایگاه ثابت

مرتبط باشد، مقررات بندهای (1) و (2) جاری خواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاهد سود یا درآمدي از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر مرتبط باشد، و همچنین سودهای تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا سودهای تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً، از سود یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده 11

سود و کارمزد

1- سود و کارمزد حاصل در یک دولت متعاهد و پرداختی به مقیم دولت متعاهد دیگر می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این وجود، سود و کارمزد مزبور می‌تواند در دولت متعاهدی که در آن حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع سود و کارمزد مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از 10% (ده درصد) مبلغ ناخالص سود و کارمزد بیشتر نخواهد بود.

3- اصطلاح «سود و کارمزد» به‌گونه به‌کار رفته در این ماده به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آن‌که دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به‌خصوص درآمد حاصل از اوراق بهادار دولتی و درآمد حاصل از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل پاداش و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده به‌عنوان سود و کارمزد محسوب نخواهد شد.

4- علی‌رغم مقررات بند (2) این ماده، سود و کارمزد حاصل در یک دولت متعاهد که توسط دولت کشور متعاهد دیگر، بانک مرکزی یا سایر بانک‌های کاملاً دولتی و نهادهای مربوط کسب می‌شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه اشخاص مزبور مالک منافع سود و کارمزد باشند.

5- هرگاه مالک منافع سود و کارمزد مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که سود و کارمزد در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد، یا در آن دولت متعاهد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل ارائه دهد و مطالبات دینی که سود و کارمزد بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر به این مقر دائم یا پایگاه ثابت مربوط باشد، مقررات بندهای (1) و (2) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

6- سود و کارمزد در صورتی «حاصل‌شده» در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت‌کننده مقیم آن دولت باشد. با این وجود، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده سود و کارمزد، خواه

مقیم یکی از دو دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که سود و کارمزد به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این سود و کارمزد بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که سود و کارمزد مذکور در دولت محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

7- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ سود و کارمزد که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع، توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده 12

حق الامتیازها

1- حق الامتیازهای حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این وجود، حق الامتیازهای مزبور می‌تواند در دولت متعاقد محل حصول و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیازها مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از 7/5% (هفت و نیم درصد) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

3- اصطلاح «حق الامتیاز» به‌گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه دریافت‌شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق نسخه‌برداری از آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلم‌های سینمایی، فیلم‌ها یا نوارهای مورد استفاده برای پخش در رادیو یا تلویزیون و سایر ابزارهای انتقال یا تکثیر تصویر یا صدا، و در ازای استفاده یا حق استفاده از هرگونه نرم‌افزار، حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، دانش فنی، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا در ازای استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

4- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز در آن حاصل می‌شود از طریق مقر دائم واقع در آن دولت به کسب و کار بپردازد، یا در آن دولت دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد، و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (1) و (2) اعمال نخواهد شد. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5- حق الامتیاز در صورتی در یک دولت متعاقد «حاصل‌شده» تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده مقیم آن دولت باشد. معذک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یکی از دولت‌های متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که تعهد پرداخت حق الامتیاز در رابطه با آن به وجود آمده است و پرداخت حق الامتیاز مزبور بر عهده مقر دائم یا پایگاه

ثابت مذکور باشد، در این صورت حق الامتیاز در دولتی «حاصل شده» تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

6- چنانچه، به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخصی دیگر، مبلغ حق الامتیاز که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاقد و با رعایت سایر مفاد این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده 13

حق الزحمه خدمات فنی

1- حق الزحمه خدمات فنی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده باشد می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این حال، علی‌رغم مفاد ماده 15 و با رعایت مقررات مواد 8، 16، 17، 18 و 20، حق الزحمه خدمات فنی مزبور می‌تواند در دولت متعاقد محل حصول و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از 7/5٪ (هفت و نیم درصد) مبلغ ناخالص حق الزحمه خدمات فنی نخواهد بود.

3- اصطلاح «حق الزحمه خدمات فنی» به‌گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجه پرداختی به هر شخصی، غیر از موارد مذکور در مواد (12) و (15) این موافقتنامه، در ازای خدمات مدیریتی یا فنی یا مشاوره‌ای اطلاق می‌شود.

4- هرگاه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الزحمه خدمات فنی در آن حاصل می‌شود، از طریق مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن، به کسب و کار بپردازد، و حق یا امالی که حق الزحمه خدمات فنی بابت آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (1) و (2) اعمال نخواهد شد. در این صورت، مفاد مواد (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5- از لحاظ این ماده، و با رعایت مقررات بند (6)، حق الزحمه خدمات فنی در صورتی در یک دولت متعاقد «حاصل شده» تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده مقیم آن دولت بوده یا شخص پرداخت‌کننده حق الزحمه، خواه آن شخص مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد مقر دائم یا پایگاه ثابتی داشته باشد که تعهد پرداخت حق الزحمه مزبور در ارتباط با آن ایجاد شده باشد، و پرداخت این حق الزحمه بر عهده این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد.

6- از لحاظ این ماده، حق الزحمه خدمات فنی در صورتی در یک دولت متعاهد حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده مقیم آن دولت بوده و از طریق مقر دائم واقع در آن دولت دیگر به کسب و کار بپردازد یا از طریق پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر، خدمات مستقل شخصی ارائه دهد و این حق الزحمه‌ها بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد.

7- چنانچه، به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت‌کننده و مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی یا بین هر دوی آنها و شخصی دیگر، مبلغ حق الزحمه خدمات فنی پرداختی از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد، بیشتر شود، مفاد این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیر الذکر مجری خواهد بود. در این موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه، مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده 14

عواید سرمایه‌ای

1- عواید سرمایه‌ای حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (6) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- عواید سرمایه‌ای حاصل از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر است یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به‌منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه)، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

3- عواید سرمایه‌ای حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی‌ها یا وسایل نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی، یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها یا وسایل نقلیه هوایی صرفاً در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

4- عواید سرمایه‌ای حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا منافع قابل‌قیاس، مانند منافع در شرکت، مشارکت یا ائتلاف شرکت‌ها (تراست) در صورتی می‌تواند در دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات شود که در هر زمانی از 365 (سیصد و شصت و پنج) روز پیش از نقل و انتقال، سهام یا منافع قابل‌قیاس مزبور بیش از 50% (پنجاه درصد) ارزش خود را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از اموال غیرمنقول، به شرح مندرج در ماده (6)، واقع در آن دولت دیگر حاصل کند.

5- عواید سرمایه‌ای ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (1)، (2)، (3) و (4) صرفاً در دولت متعاهدی که انتقال‌دهنده، مقیم آن است مشمول مالیات خواهد بود.

ماده 15

خدمات شخصي مستقل

1- درآمد حاصل توسط شخص حقيقي مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات شخصي مستقل یا سایر فعالیت‌های مستقل صرفاً در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر در شرایط زیر که این درآمد می‌تواند در دولت متعاقد دیگر نیز مشمول مالیات شود:

(الف) چنانچه این شخص به‌منظور انجام فعالیت‌های خود به‌طور دائم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد، در آن صورت، صرفاً آن بخش از درآمد که قابل‌انتساب به آن پایگاه ثابت باشد می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود؛ یا

(ب) در صورتی که جمع مدت اقامت وی در یک یا چند دوره در دولت متعاقد دیگر در هر دوره 12 (دوازده) ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا در آن خاتمه می‌یابد برابر یا بیشتر از 183 (صد و هشتاد و سه) روز باشد، در این صورت صرفاً آن میزان از درآمدی که از فعالیت‌های انجام‌شده وی در آن دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشد می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

2- اصطلاح «خدمات شخصي مستقل» به فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا سایر فعالیت‌های دارای ماهیت مستقل، همچنین شامل فعالیت‌های پزشکان، وکلا، مهندسان، معماران، دندان‌پزشکان و حسابداران اطلاق می‌شود، اما شامل خدمات فنی مذکور در ماده (13) نمی‌شود.

ماده 16

خدمات شخصي غير مستقل

1- مطابق مقررات مواد (17)، (19)، (20) و (21)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد، صرفاً در همان دولت مشمول مالیات می‌باشد مگر آن‌که استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام به‌گونه مزبور صورت گیرد، حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- علی‌رغم مقررات بند (1)، حق‌الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده صرفاً مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود، مشروط بر آن‌که:

(الف) جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند دوره در دولت دیگر حضور داشته از 183 (صد و هشتاد و سه) روز در هر دوره 12 (دوازده) ماهه‌ای که در سال مالی‌ای مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد، بیشتر نشود؛ و

(ب) حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی پرداخت شود که مقیم دولت دیگر نیست؛ و

(پ) پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت دیگر دارد، نباشد.

3- علی‌رغم مفاد قبلی این ماده، حق‌الزحمه حاصل‌شده به سبب استخدام به‌عنوان عضو خدمه دائم کشتی یا وسایل نقلیه هوایی در کشتی یا وسایل نقلیه هوایی که از سوی مؤسسه یک دولت متعاقد در حمل

و نقل بین‌المللی فعال می‌باشد، غیر از استخدام در کشتی یا وسایل نقلیه هوایی که صرفاً در داخل آن دولت متعاقد دیگر فعال است، فقط در دولت نخست مشمول مالیات خواهد بود.

ماده 17

حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به‌عنوان عضو هیئت مدیره یا سایر ارکان مشابه شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

ماده 18

هنرمندان و ورزشکاران

1- علی‌رغم مقررات مواد (15) و (16)، درآمد حاصل مقیم یک دولت متعاقد به‌عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به‌عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- چنانچه درآمد بابت فعالیت‌های شخصی یک هنرمند یا ورزشکار در چنین سمتی به خود آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگیرد و عاید شخص دیگری شود، با وجود مقررات مواد (15) و (16)، آن درآمد می‌تواند در دولت متعاهدی که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار مزبور در آن انجام می‌گیرد، مشمول مالیات شود.

3- در مورد درآمدی که هنرمند یا ورزشکار مقیم یک دولت متعاقد بابت فعالیت‌های انجام‌شده در دولت متعاقد دیگر در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی منعقد بین دولت‌های متعاقد که با بودجه دولتی پشتیبانی می‌گردد، تحصیل می‌نماید، مقررات بندهای (1) و (2) مجری نخواهد بود.

ماده 19

حقوق بازنشستگی

1- با رعایت مفاد بند (2) ماده (20)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد در ازای استخدام گذشته صرفاً در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

2- با این وجود، این حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه می‌تواند در دولت متعاقد دیگر نیز مشمول مالیات شود، مشروط بر آن که پرداخت توسط مقیم آن دولت دیگر یا مقرر دائم واقع در آن صورت گیرد.

3- علی‌رغم مقررات بندهای (1) و (2)، حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به‌موجب طرح‌های عمومی که قسمتی از نظام تأمین اجتماعی یک دولت متعاقد یا مرجع محلی آن است فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

4- اصطلاحات «حقوق بازنشستگی» و «سایر حق‌الزحمه‌های مشابه»، به‌گونه مورد استفاده در این ماده، به‌وجه دوره‌ای اطلاق می‌شود که پس از بازنشستگی در ازای استخدام گذشته یا به‌عنوان جبران خسارات وارده مربوط به استخدام گذشته دریافت می‌گردد.

ماده 20

خدمات دولتی

1-

الف) حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه، غیر از حقوق بازنشستگی، پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مرجع محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات ارائه‌شده به آن دولت یا مرجع فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

ب) با این وجود، حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه مزبور صرفاً در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه خدمات در آن دولت دیگر ارائه شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت:

(1) تبعه آن دولت باشد؛ یا

(2) صرفاً برای ارائه خدمات مزبور مقیم آن دولت نشده باشد.

2-

الف) صرف‌نظر از مقررات بند (1)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مرجع محلی آن یا از محل صندوق ایجادشده آنها به یک شخص حقیقی بابت خدمات ارائه شده به آن دولت یا مرجع فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

ب) با این وجود، حقوق بازنشستگی مزبور و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه صرفاً به شرطی در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود که آن شخص حقیقی تبعه و مقیم آن دولت دیگر باشد.

3- در مورد حقوق، دستمزد، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه بابت خدمات ارائه‌شده در خصوص کسب و کار انجام شده از سوی یک دولت متعاقد یا مرجع محلی آن، مقررات مواد (16)، (17)، (18) و (19) مجری خواهد بود.

ماده 21

محصّلین، مدرّسین و محققین

1- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاهد مقیم دولت متعاهد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست به سر می برد برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد در دولت نخست مشمول مالیات نخواهد بود، مشروط بر آنکه وجوه مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

2- همچنین، حق الزحمه دریافتی معلم یا مدرّسی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاهد، مقیم دولت متعاهد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از 2 (دو) سال تجاوز نکند در دولت نخست به سر می برد، در دولت نخست از مالیات معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه وجوه مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص یا مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می باشند، مجری نخواهد بود.

ماده 22

سایر درآمدها

1- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

2- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به گونه ای که در بند (2) ماده (6) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن به کسب و کار بپردازد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده به گونه ای مؤثر با این مقر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بند (1) مجری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، اعمال خواهد شد.

3- علی رغم مقررات بندهای (1) و (2)، اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد پیشین این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته و در دولت متعاهد دیگر حاصل شده باشد می تواند در آن دولت دیگر نیز مشمول مالیات شود، ولی مالیات متعلقه نباید از 50% (پنجاه درصد) مالیات آن دولت دیگر تجاوز کند.

ماده 23

آیین حذف مالیات مضاعف

1- چنانچه مقیم یک دولت متعاهد درآمدهای حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه می تواند در دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد

پرداختی در آن دولت دیگر از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. با این وجود، در هر حالت، کسور مزبور نباید از آن بخش از مالیات بر درآمد که پیش از کسر، محاسبه می‌شد و، حسب مورد، به درآمدي قابل انتساب است که می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود، تجاوز کند.

2- چنانچه طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه، درآمد حاصل شده توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات در آن دولت معاف باشد، آن دولت می‌تواند، با وجود معافیت، در محاسبه میزان مالیات بر باقیمانده درآمد آن مقیم درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده 24

عدم تبعیض

1- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن نخواهند بود که متفاوت یا سنگین‌تر از مالیات و الزامات مربوط به آن باشد که اتباع آن دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط، به‌ویژه به‌لحاظ اقامت، مشمول آن بوده یا ممکن است مشمول آن شوند. با وجود مفاد ماده (1)، این مقررات در مورد اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نباشند نیز مجري خواهد بود.

2- اشخاص فاقد تابعیت که مقیم یک دولت متعاقد هستند در هیچ‌یک از دولت‌های متعاقد مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن نخواهند بود که متفاوت یا سنگین‌تر از مالیات یا الزامات مربوط به آن باشد که اتباع دولت مزبور تحت همان شرایط، به‌ویژه به‌لحاظ اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند.

3- مالیاتی که از مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می‌شود نباید در آن دولت دیگر از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به‌گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصی یا مسئولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطا می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطا کند.

4- به‌جز در مواردی که مقررات بند (1) ماده (9)، بند (7) ماده (11)، بند (6) ماده (12)، یا بند (7) ماده (13) اعمال می‌شود، سود و کارمزد، حق‌الامتیاز، حق‌الزحمه خدمات فنی و سایر هزینه‌های پرداختی مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر به‌منظور تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که گویی به مقیم دولت نخست پرداخت شده بوده است.

5- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا واپایش (کنترل) یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات

یا الزامات مرتبط با آن نخواهند شد که متفاوت یا سنگین‌تر از مالیات و الزامات مربوط به آن باشد که سایر مؤسسات مشابه در دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند.

ماده 25

آیین توافق دوجانبه

1- چنانچه شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد منتج به مالیاتی برای وی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، می‌تواند صرف‌نظر از برخورداری از طرق احقاق حق پیش‌بینی‌شده در قوانین داخلی دولت‌های مزبور اعتراض خود را به مقام صلاحیت‌دار هر یک از دولت‌های متعاهد تسلیم کند. اعتراض باید ظرف 3 (سه) سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدام منتج به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه تسلیم شود.

2- اگر مقام صلاحیت‌دار اعتراض را موجه بیابد اما خود نتواند به راه‌حل مناسبی دست یابد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیت‌دار دولت متعاهد دیگر موضوع را حل و فصل نماید. هر توافقی که ظرف مهلت زمان 6 (شش) سال از تاریخ اطلاع به مفهوم موردنظر در بند (1) حاصل شود، صرف‌نظر از هرگونه محدودیت‌های زمانی مقرر در قوانین داخلی دولت‌های متعاهد، قابل اجرا خواهد بود.

3- مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعاهد تلاش خواهند کرد تا کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را از طریق توافق دوجانبه حل و فصل کنند. آنها همچنین می‌توانند در موارد پیش‌بینی‌نشده در این موافقتنامه، به‌منظور حذف مالیات مضاعف با یکدیگر مشورت کنند.

4- مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعاهد می‌توانند به‌منظور حصول توافق به مفهوم مندرج در بندهای پیشین مستقیماً، از جمله از طریق کمیسیون مشترکی متشکل از خود ایشان یا نمایندگان آنها، با یکدیگر ارتباط حاصل کنند.

ماده 26

تبادل اطلاعات

1- مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعاهد اطلاعاتی را که پیش‌بینی می‌شود مرتبط با اجرای مقررات این موافقتنامه یا اعمال یا اجرای قوانین داخلی راجع به مالیات‌هایی از هر نوع و با هر وصف است که از سوی دولت‌های متعاهد یا مراجع محلی آنها وضع می‌شود، تا حدودی مبادله خواهند کرد که اخذ مالیات به‌موجب آن قوانین مغایر با این موافقتنامه نباشد. مواد (1) و (2) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود.

2- با هر نوع اطلاعاتی که به‌وسیله یک دولت متعاهد به‌موجب بند (1) دریافت می‌شود، به همان شیوه اطلاعات به‌دست‌آمده به‌موجب قوانین داخلی آن دولت به‌عنوان اطلاعات سری رفتار خواهد شد و فقط نزد اشخاص یا مراجعی (از جمله دادگاه‌ها و مراجع اداری) فاش می‌شود که به امر تشخیص یا وصول، اجرا یا پیگرد یا تصمیم‌گیری در مورد پژوهش‌خواهی‌های مرتبط با مالیات‌های موضوع بند

(1)، یا نظارت بر موارد فوق اشتغال دارند. اشخاص یا مراجع مزبور اطلاعات را فقط برای مقاصد یادشده مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاه‌ها یا تصمیم‌های قضایی فاش سازند. با وجود مفاد پیشین، اطلاعات بدست‌آمده توسط یک دولت متعهد می‌تواند برای سایر مقاصد استفاده شود، مشروط بر آنکه امکان به‌کارگیری اطلاعات مزبور برای سایر مقاصد به موجب قوانین هر دو دولت وجود داشته باشد و مقام صلاحیت‌دار دولت ارائه‌کننده اطلاعات مجوز چنین استفاده‌ای را اعطا نماید.

3- مقررات بندهای (1) و (2) در هیچ مورد به‌گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعهد را وادار سازد:

(الف) اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری دولت خود یا دولت متعهد دیگر اتخاذ نماید؛

(ب) اطلاعاتی را ارائه نماید که طبق قوانین یا در جریان عادی اداری دولت خود یا دولت متعهد دیگر قابل‌تحصیل نیست؛

(پ) اطلاعاتی را ارائه نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن با خط‌مشی عمومی (نظم عمومی) مغایر باشد.

4- چنانچه یک دولت متعهد اطلاعاتی را طبق این ماده درخواست کند، دولت متعهد دیگر اقدامات جمع‌آوری اطلاعات خود را برای کسب اطلاعات درخواستی به کار نمی‌بندد، ولو آنکه آن دولت دیگر از حیث مقاصد مالیاتی خود نیازی به این اطلاعات نداشته باشد. الزام مذکور در جمله پیشین تابع محدودیت‌های بند (3) است اما محدودیت‌های مزبور به‌هیچ‌وجه به‌مثابه مجوزی برای یک دولت متعهد جهت امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل نبود منفعت داخلی نسبت به این‌گونه اطلاعات تعبیر نخواهد شد.

5- مفاد بند (3) به‌هیچ‌وجه به‌مثابه مجوزی برای یک دولت متعهد در امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل حفظ اطلاعات نزد بانک، مؤسسه مالی دیگر، نماینده یا شخص دارای جایگاه نمایندگی یا موقعیت امین یا به دلیل ارتباط اطلاعات مزبور با حقوق مالکانه نسبت به یک شخص تعبیر نخواهد شد.

ماده 27

مساعدت در وصول مالیات‌ها

1- دولت‌های متعهد می‌توانند در وصول مطالبات درآمدی به یکدیگر مساعدت نمایند. مواد (1) و (2) موجب تحدید این مساعدت نمی‌شود. مقام‌های صلاحیت‌دار دولت‌های متعهد می‌توانند با توافق دوجانبه، نحوه اجرای این ماده را تعیین نمایند.

2- اصطلاح مطالبه درآمدی به‌گونه بکار رفته در این ماده به مبلغ بدهی مربوط به مالیات‌هایی از هر نوع و با هر وصف اطلاق می‌شود که از سوی دولت‌های متعهد یا مراجع محلی آنها وضع شده است

تا آنجایی که اخذ مالیات به موجب آن مغایر با این موافقتنامه یا هر سند دیگری نباشد که دولت‌های متعاقد طرف آن می‌باشند، و همچنین شامل جریمه تأخیر تأدیه، جریمه‌های اجرایی، و هزینه‌های وصول یا نگهداری مربوط به مبالغ مزبور نیز می‌شود.

3- در صورتی که مطالبه درآمدی یک دولت متعاقد به موجب قوانین آن دولت قابل اجرا بوده و شخصی مدیون باشد که در آن زمان به موجب قوانین آن دولت نتواند مانع از وصول آن شود، آن مطالبه درآمدی حسب درخواست مقام صلاحیت‌دار آن دولت، به منظور وصول از سوی مقام صلاحیت‌دار دولت متعاقد دیگر پذیرفته می‌شود. مطالبه درآمدی مزبور توسط آن دولت دیگر و طبق مفاد قوانین حاکم آن در مورد اجرا و وصول مالیات‌های خود وصول خواهد شد، به گونه‌ای که گویی مطالبه درآمدی مزبور، مطالبه درآمدی آن دولت دیگر بوده است.

4- در صورتی که مطالبه درآمدی یک دولت متعاقد مطالبه‌ای باشد که آن دولت بتواند به موجب قانون خود در مورد آن اقدامات حفاظتی را با هدف حصول اطمینان از وصول آن انجام دهد، مطالبه درآمدی مزبور حسب درخواست مقام صلاحیت‌دار آن دولت به منظور اتخاذ اقدامات حفاظتی از سوی مقام صلاحیت‌دار دولت متعاقد دیگر پذیرفته می‌شود. آن دولت دیگر اقدامات حفاظتی را در خصوص آن مطالبه درآمدی طبق مفاد قوانین خود اتخاذ خواهد نمود به گونه‌ای که گویی آن مطالبه درآمدی، مطالبه درآمدی آن دولت دیگر بوده است، حتی اگر در زمان اعمال اقدامات مزبور، مطالبه درآمدی در دولت نخست قابل اجرا نبوده یا مدیون، شخصی باشد که محق به ممانعت از وصول آن باشد.

5- صرف نظر از مقررات بندهای (3) و (4)، مطالبه درآمدی پذیرفته شده توسط یک دولت متعاقد از حیث بندهای (3) یا (4) در آن دولت تابع محدودیت‌های زمانی نخواهد بود یا نسبت به مطالبه درآمدی به موجب قوانین آن دولت به دلیل ماهیت آن، هرگونه ارجحیت قابل اعمال به آن تعلق نخواهد یافت. به علاوه، مطالبه درآمدی پذیرفته شده توسط یک دولت متعاقد از حیث بندهای (3) یا (4) در آن دولت مشمول هرگونه ارجحیت قابل اعمال نسبت به آن مطالبه درآمدی به موجب قوانین دولت متعاقد دیگر نخواهد بود.

6- جریان دادرسی مربوط به وجود، صحت یا میزان مطالبه درآمدی یک دولت متعاقد نباید نزد دادگاه‌ها یا مراجع اداری دولت متعاقد دیگر مطرح شود.

7- چنانچه در هر زمان پس از ارائه درخواست از سوی یک دولت متعاقد به موجب بند (3) یا (4) و پیش از وصول و تأدیه مطالبه درآمدی مربوط توسط دولت متعاقد دیگر به دولت نخست، مطالبه درآمدی مزبور مربوط به موارد زیر نباشد:

الف) در مورد درخواست به موجب بند (3)، مطالبه درآمدی دولت نخست که به موجب قوانین آن دولت قابل اجرا بوده و مدیون، شخصی باشد که در آن زمان به موجب قوانین آن دولت نتواند مانع از وصول آن گردد؛ یا

ب) در مورد درخواست به موجب بند (4)، مطالبه درآمدی دولت نخست که در خصوص آن، دولت مذکور می‌تواند به موجب قوانین خود اقدامات حفاظتی را با هدف حصول اطمینان از وصول آن اتخاذ کند،

مقام صلاحیت‌دار دولت نخست در اسرع وقت مقام صلاحیت‌دار دولت دیگر را از موضوع آگاه خواهد نمود و دولت نخست بنا به انتخاب دولت دیگر، درخواست خود را یا به حالت تعلیق درآورده یا از آن صرف‌نظر خواهد کرد.

8- مفاد این ماده در هیچ مورد به‌گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که:

الف) اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید؛

ب) اقداماتی مغایر با خط مشی عمومی (نظم عمومی) انجام دهد؛

پ) چنانچه دولت متعاهد دیگر تمامی اقدامات متعارف برای وصول یا حفاظت را، حسب مورد، به‌موجب قوانین یا رویه اداری خود اتخاذ نکرده باشد، مساعدت نماید؛

ت) در مواردی که بار اداری آن دولت مشخصاً در قیاس با منفعت قابل‌حصول توسط آن دولت متعاهد دیگر نامتناسب باشد، مساعدت نماید.

ماده 28

اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب نمایندگی سیاسی (کنسولی)

هیچ یک از مفاد این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیأت‌های سیاسی یا مناصب نمایندگی سیاسی (کنسولی) که به‌موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده 29

بهره‌مندی از مزایا

1- علی‌رغم سایر مقررات این موافقتنامه، هرگاه، با در نظر گرفتن تمامی حقایق و شرایط مرتبط، به‌طور متعارف بتوان نتیجه گرفت که هدف اصلی یا یکی از اهداف اصلی هرگونه ترتیبات یا معاملاتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتج به بهره‌مندی از مزایای موافقتنامه شده، کسب مزیت مزبور بوده است، آن مزیت در مورد آن قلم از درآمد اعطا نخواهد شد، مگر اینکه اثبات گردد که اعطای آن مزیت در این گونه شرایط مطابق با هدف و منظور مقررات مربوط در این موافقتنامه بوده است.

2- چنانچه به‌موجب مفاد بند (1)، مقیم یک دولت متعاهد از مزایای این موافقتنامه در دولت متعاهد دیگر محروم شود، مقام صلاحیت‌دار آن دولت متعاهد دیگر مقام صلاحیت‌دار دولت متعاهد نخست را از موضوع مطلع خواهد کرد.

ماده 30

لازم الاجرا شدن

1- دولت‌های متعاقد به طور کتبی از طریق مجاری سیاسی (دیپلماتیک) یکدیگر را از تکمیل تشریفات مقرر به موجب قوانین داخلی خود برای لازم‌الاجرا شدن این موافقتنامه آگاه خواهند ساخت. این موافقتنامه از تاریخ یادداشت مؤخر لازم‌الاجرا خواهد شد.

2- مقررات این موافقتنامه به شرح زیر نافذ خواهد بود:

(الف) در جمهوری اسلامی ایران:

(1) در مورد مالیات‌های بر درآمد کسرشده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس، یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد؛

(2) در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به مالیات‌های قابل‌وضع برای هر سال مالیاتی که از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس، یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد، آغاز می‌شود.

(ب) در جمهوری مردمی بنگلادش:

(1) در مورد مالیات‌های کسرشده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن متعاقب تاریخی که در آن، این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌شود؛ و

(2) در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به درآمدهای حاصله در هر سال درآمدي که از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن متعاقب تاریخی که در آن، این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد، آغاز می‌شود.

ماده 31

خاتمه

این موافقتنامه مادامی که توسط یک دولت متعاقد خاتمه نیابد، لازم‌الاجرا خواهد بود. هر یک از دولت‌های متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت خاتمه، حداقل 6 (شش) ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره‌ای 5 (پنج) ساله از

تاریخی که این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد، خاتمه دهد. در این صورت، این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

(الف) در جمهوری اسلامی ایران:

(1) در مورد مالیات‌های بر درآمد کسر شده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده، از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، یادداشت ارائه می‌گردد؛ و

(2) در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به مالیات‌های قابل وضع برای هر سال مالیاتی که از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، یادداشت ارائه می‌گردد، آغاز می‌شود.

(ب) در جمهوری مردمی بنگلادش:

(1) در مورد مالیات‌های کسر شده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده، از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن متعاقب تاریخی که در آن، یادداشت ارائه می‌گردد؛ و

(2) در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به درآمدهای حاصل در هر سال درآمدي که از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن، متعاقب تاریخی که در آن یادداشت ارائه می‌گردد، آغاز می‌شود.

این موافقتنامه در تهران در تاریخ 16 مهرماه 1401 (هجری خورشیدی) برابر با 8 اکتبر 2022 میلادی در دو نسخه به زبان‌های فارسی، بنگالی و انگلیسی تنظیم گردید که تمامی متون از اعتبار یکسان برخوردار می‌باشند. در صورت بروز هرگونه اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی ملاک خواهد بود.

در تأیید مراتب فوق، امضاکنندگان زیر که به‌نحو مقتضی از طرف دولت‌های متعاقد متبوع خود مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضا نموده‌اند.

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران

دکتر داود منظور

از طرف دولت

جمهوری مردمی بنگلادش

آقای ابوحنّا ام‌دی. رحمت‌المونیم

دبیر ارشد بخش منابع داخلی و

رئیس هیأت درآمدهای ملی وزارت دارایی

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

وزارت امور اقتصادی و دارایی
